

آشنایی با دستورگوش ابرونی

حسین مصطفوی گرو*

مربی گروه آموزش زبان روسی دانشگاه فردوسی، مشهد

چکیده

بررسی دستور و واژگان زبان‌ها و گویش‌های بازمانده از زبان‌های ایرانی می‌تواند به شناخت بهتر زبان فارسی هم‌از نظر واژگان و هم‌از نظر دستور زبان-کسک نماید.

در این مقاله ابتدا نظام آوایی گویش ابرونی و سپس اجزاء کلام (اسم، صفت، ضمیر، عدد، فعل، حروف، قید و ادات) آن به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است. در مقوله اسم، چگونگی جمع‌بستن اسامی با استفاده از پسوندهای مختلف و نیز صرف آنها در حالت‌های دستوری‌ای که بازمانده از ایرانی باستان است، نشان داده شده است. در مقوله صفت درجات مختلف آن، در مقوله ضمیر انواع ضمایر با صرف آنها در حالات دستوری و در مورد فعل صرف آن در زمان‌های حال، گذشته و آینده ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: گویش ابرونی، حالت‌های دستوری، پایانه‌های صرفی، ستاک.

مقدمه

گوش ايرونی به همراه گوش ديغوری دو گوش اصلی زبان آسی (استی) را تشکیل می‌دهند که خود جزو گروه زبان‌های ایرانی شرقی محسوب می‌شود. گوش ايرونی در واقع زبان ادبی آسی‌ها است و متشکل از چند گوش است. به نظر آسی‌شناس معروف پرفسور عیسیایف، این گوش خود از گوش ايرونی، توآلی (Tuali)، جاوی (Javi) و کسان (Kesani) تشکیل شده است (عیسیایف، ۱۹۸۱: ۱۳). گوش‌وران ايرونی از سایر گوش‌وران بیشترند (آبایف، ۱۹۴۹: ۴۹۶)؛ گوش‌وران ايرونی بالغ بر چهارصد هزار نفر می‌باشد در حالی که تعداد گوش‌وران ديغوری نزدیک به یکصد هزار نفر است. واسیلی میلر (V. Miller) در کتاب خود تحت عنوان «زبان آسی» از گوش ايرونی به‌عنوان گوش شرقی و از ديغوری به گوش غربی یاد می‌کند (میلر، ۱۹۶۲: ۱۵). ايرونی‌ها در شمال کوه‌های قفقاز در جمهوری خودمختار استیای شمالی داخل بر فدراسیون روسیه، در جنوب کوه‌های قفقاز در استان خودمختار استیای جنوبی تابع گرجستان، کاباردین، بالکار، کاراچایف-چرکس، باکو، دوشنبه، مسکو و غیره ساکن هستند (بکویف، ۱۹۸۵: ۱۳۹). تنها تفاوتی که ايرونی‌های آسیای شمالی و جنوبی دارند در تلفظ انسدادی سایشی‌های پیش‌کامی c و 3 و صفیری‌های پیش‌کامی s و z است. ايرونی‌های جمهوری استی به خود ir و به کشورشان iryston می‌گویند. برخلاف بسیاری از ایران‌شناسان پرفسور آبایف -ir را از ایرانی باستان -arya نمی‌گیرد و آن را مشتقی از اصطلاح جغرافیایی گرجی Her-et-i می‌داند (آبایف، ۱۹۸۵: ۵۴۵). نخستین فردی که از گوش ايرونی به‌تفصیل سخن رانده است، دانشمند روس آ.م. شیگرن (A. Shyogren) است که در کتاب خود تحت عنوان «دستور زبان آسی» به آن پرداخته است.

زبان آسی و در پی گوش ايرونی در سال ۱۷۹۸ برای نخستین بار نوشته شد. این خط را گای تاکاوف (تاکایشویلی) (Takashvili) بر اساس خط اسلاوی کلیسایی درست کرده بود. بعدها دانشمند روس آ. م. شیگرن خطی بر اساس خط سیریلیک درست کرد و در سال ۱۸۴۴ در کتاب خود تحت عنوان «دستور زبان آسی» به کار برد (کالویف، ۱۹۶۷: ۴). دانشمند دیگری که در پیشرفت زبان‌شناسی آسی به‌ویژه گوش ايرونی سهم به‌سزایی داشته است، واسیلی میلر دانشمند روس بود که خطی بر اساس خط لاتین برای زبان آسی ابداع نمود که تا سال ۱۹۳۸ معمول بود. در این سال خط جدیدی بر اساس خط سیریلیک ایجاد شد که تاکنون در این سرزمین رایج است. ناگفته نماند که پرفسور واسیلی آبایف (V. Abaev) نیز مقالات و کتب متعددی در زمینه زبان آسی و گوش ايرونی نوشته است.

زبان روسی بیشترین تأثیر را بر زبان آسی و دربی بر گویش ابرونی داشته است چراکه روس‌ها از نیمه دوم قرن دهم میلادی با ابرونی‌ها ارتباط نزدیک داشتند و در سال ۱۷۷۴ میلادی آنها و همه آسی‌ها به روسیه ملحق شدند. بعد از زبان روسی به ترتیب زبان‌های گرجی، فارسی، عربی، آواری، آبخازی، چچنی و اینگوشی و ترکی آذری تأثیر به‌سزایی بر گویش ابرونی داشته‌اند.

حروف الفباء: حروف الفبای ابرونی از ۴۳ حرف تشکیل شده است.

خط استفاده شده	خط ابرونی	خط استفاده شده	خط ابرونی	خط استفاده شده	خط ابرونی	خط استفاده شده	خط ابرونی	خط استفاده شده	خط ابرونی	خط استفاده شده	خط ابرونی	خط استفاده شده	خط ابرونی
ya	я	š	ш	f	ф	p	п	j	й	z	з	a	а
		š	щ	x	х	p'	пгь	k	к	j	дж	æ	æ
		ь	ь	q	хь	r	р	k'	кь	e	e	b	б
		y	ы	c	и	s	с	l	л	yo	ё	v	в
		,	ь	c'	ць	t	т	m	м	ž	ж	g	г
		э	э	č	ч	t'	ть	n	н	z	з	ğ	гь
		yu	ю	č'	чь	u/w	у	o	о	ī/i	и	d	д

هشت حرف š, ь, ь, э, yu, ya, yo, ŝ می‌روند.

سی و پنج حرف باقی‌مانده در واقع سی و شش واج را نشان می‌دهند. حرف u/w هم مصوت بسته پسین و هم نیم‌مصوت دولبی پس‌زبانی است. حرف k', p', t', c', č' انسدادی چاکنایی و ɟ, q, ملازی و j, z انسدادی سایشی هستند (مبانی زبان‌شناسی ایرانی، ۱۹۹۷: ۵۳۷).

مصوت‌ها: گویش ابرونی هفت مصوت دارد. مصوت‌های گویش ابرونی: قوی (بلند) a, i, u, o, e و ضعیف (کوتاه) y, æ.

صامت‌ها: با احتساب نیم‌مصوت‌ها از بیست و هشت صامت تشکیل شده است. هجده تای آن انسدادی است که از این میان p, t, c, č, k بی‌واک و b, d, 3, Ž, g واکدار و p', t', c', č', k' و انسدادی-چاکنایی و صامت‌های w, f, v, s, z, l, j, c, q, ğ از این میان z, s و سایشی v, l, کامی (š, ž) دارد. q ملازی بوده و دخیل از ترکی است. r در ایرونی پیش کامی است.

صرف

اجزاء کلام در ایرونی عبارتند از: اسم، صفت، عدد، ضمیر، حرف اضافهٔ پسایند، قید، فعل، حرف اضافه، حرف ربط، ادات، اصوات.

اسم

اسم در ایرونی شمار مفرد و جمع دارد. شمار مفرد همواره بعد از افتادن پایانه صرفی به شکل ستاک نشان داده می‌شود. مانند: fyd «پدر».

شمار جمع اسامی

با افزودن tæ - در حالت فاعلی و یا t - در سایر حالت‌های دستوری به ستاک و نیز با افزودن مصوت y ساخته می‌شود. قواعد جمع بستن به صورت زیر می باشد:

۱- اسامی که ستاک آنها به مصوت ختم می‌شوند، مستقیماً با افزودن tæ - در حالت فاعلی جمع بسته می‌شوند. caexæratæ - caexæra «چغندرها»، xo- xotæ «خواهران».

به استثنای ستاک‌های مختوم به æ - که به گونهٔ دیگر نیز جمع بسته می‌شوند. bæstætæ «کشورها» و bæstytæ.

۲- ستاک‌های مختوم به مصوت و صامت (به استثنای -ug, -yg, -ig, -æg) مستقیماً با افزودن نشانه، جمع بسته می‌شوند. biræğtæ biræğ «گرگها»؛ bæxtæ-bæx «اسبها»؛ durtæ -dur «سنگها».

۳- غالباً در ستاک‌های مختوم به گروه صامت‌ها (به استثنای گروه صامت‌های -rd, -rg, نشانهٔ جمع می‌آید؛ مانند: caelxytæ-calx «چرخ‌ها»؛ ærsytæ-ars «خرسها»؛ mærgtæ-marg «سموم»؛ ælgætæ-alğ «نوکها»، wurgtæ-wyrg «کلیه‌ها»؛

færaenktæ-færank «چربی‌ها، روغن‌ها» cærvtæ-carv «دستها» ærmttæ-arm «یوزپلنگ‌ها».

۴- در اسامی دو یا چندهجایی مختوم به æg- هنگام افزودن نشانه جمع، æ افتاده و با تبدیل g به ž, y به آن اضافه می‌شود؛ fyszȳtæ-fyssæg «نویسندگان».

۵- در اسامی دو یا چندهجایی مختوم به yg- هنگام افزودن نشانه جمع y و u می‌افتد؛ næmgytæ-næmyg «غلات».

۶- بعضی از اسامی که به æg, -yg, -ug- ختم می‌شوند، نه تنها مصوت ستاک خود را از دست نداده‌اند بلکه مصوت y به آن افزوده می‌شود. ærnæžyta-ærnaæg «وحشی‌ها».

۷- اسامی که در هجای آخر ستاک خود مصوت قوی (بلند) a و o دارند، هنگام جمع بستن، این مصوت به مصوت ضعیف (کوتاه) تبدیل می‌شود. qæstytæ-qast «بازی‌ها».

اگر ستاک به واکه‌گون (sonant) r, l, n, m, j, w ختم شود، در این صورت نشانه جمع t تکرار می‌شود. ægðæwttæ-ægdaw «سنن» æmbælttæ-æmbal «رفقا».

اسامی دو یا چندهجایی که به مصوت ختم نمی‌شوند (به‌استثنای ævzartæ-ævzar «جوانه‌ها») در هنگام جمع، مصوت قوی a و o به مصوت ضعیف æ بدل می‌شود اما در اسامی تک‌هجایی شکل‌های گوناگونی دیده می‌شود. qwægtæ-qwag «نواقص» در کنار sægtæ و sagtæ-sag «گوزن‌ها».

صرف اسم در حالت‌های دستوری

بر خلاف دیگر زبان‌های ایرانی جدید که پایانه صرفی خود را از دست داده‌اند و صرف نمی‌شوند، گویش ابرونی از عناصر باستانی زبان آسی، سیستم صرفی با پایانه صرفی جدیدی را به دست آورده است که از لحاظ شکل به صرف زبان‌های پیوندی چون ترکی، فینوایغوری و بعضی از زبان‌های قفقازی نزدیک است. اسم در گویش ابرونی در ۹ حالت دستوری صرف می‌شود:

۱- حالت فاعلی (nominative): در گویش ابرونی شمار مفرد هیچ‌گونه پایانه‌ایی نداشته و با ستاک یکی است. k'ux «دست».

در شمار جمع پایانه æ- به نشانه جمع اضافه می‌شود k'ux-t-æ «دست‌ها».

۲- حالت اضافی یا اضافه ملکی (genitive): پایانه صرفی y از مشخصات این حالت دستوری است. k'ux-y «آن دست».

- ۳- حالت برایی (dative): پایانه $-\alpha\epsilon n$ در این گویش دیده می‌شود. $k'ux-\alpha\epsilon n$ «برای دست».
- ۴- حالت بایی-ازی یا ابزار-ازی (instrumental-ablative): پایانه $-\alpha\epsilon z$ مشخصه این حالت دستوری است. $k'ux-\alpha\epsilon z$ «با دست، از دست».
- ۵- حالت به‌ای یا مفعول‌الیه (allative): واسیلی می‌آر آن را معادل حالت دری یا مفعول‌علیه می‌داند. در این حالت اسم در شمار مفرد پایانه $-m\alpha$ و در شمار جمع پایانه $-\alpha\epsilon m$ می‌گیرد. این حالت علاوه بر معنای «به سوی، به سمت» معنی «نزد چیزی بودن» را نیز با خود دارد. $k'ux-m\alpha$ «به سوی دست، به سمت دست، در دست».
- ۶- مفعول درونی یا مفعول‌فیه (ilative): از لحاظ شکل با حالت اضافی (genitive) مطابقت دارد. $k'ux-y$ «توی دست، در دست».
- ۷- مفعول بیرونی یا مفعول‌علیه (elative): واسیلی می‌آر این حالت را $-\alpha\epsilon ssi\upsilon$ می‌داند. پایانه اسم در این حالت $-yl$ و $-wyl$ است. $k'ux-yl$ «بر دست، روی دست».
- ۸- حالت هم‌کنش (comitative). از مشخصه‌های این حالت پایانه $-im\alpha$ است. $k'ux-im\alpha$ «با دست».
- مفعول چونی (essive): آقای دکتر ابوالقاسمی این حالت را حال معرفی کرده است (ابوالقاسمی، ۱۳۴۸: ۱۲۱). اسامی در این حالت پایانه $-aw$ می‌گیرند. واژه‌هایی که در این حالت قرار می‌گیرند، از نظر دستوری می‌توانند در مقوله قید نیز بیابند. $k'ux-aw$ «چون دست، همچون دست».

حرف تعریف

حرف تعریف معرفه در ایرونی وجود ندارد و عدد iw «یک» نقش حرف تعریف نکره را ایفا می‌نماید.

$\alpha\epsilon m\alpha\epsilon\ m\upsilon n\ iu\ \bar{u}rs\ w\alpha\epsilon r\gamma k\kappa\ \alpha\epsilon r\chi\alpha\epsilon s\epsilon$ «و تو برایم یک بره بیاور».

صفت

در ایرونی صفت و اسم از هم مجزا نیستند و گاهی صفت می‌تواند علاوه بر معنای اسم نقش اسم را هم داشته باشد. $sy\gamma\chi$ «سرخ، سرخی، باد سرخ، حمیره (بیماری)»؛ $syz\check{\gamma}\alpha\epsilon r\iota n$ «طلایی، طلا».

حالات و درجات صفت

در ابرونی علاوه بر صفت از بعضی از اسامی نیز می‌توان صفت برتر یا برترین ساخت. læg «مرد» -lægdær «مردتر». صفات کیفی دارای سه درجه و یک شکل به نام شدت یا تأکید هستند. صفت مطلق: این صفت قبل از اسم می‌آید و در ۹ حالت دستوری تغییری نمی‌کند. حالت فاعلی xorz læg «انسان خوب»، حالت اضافی xorz læžy «از انسان خوب» و غیره. صفت برتر: معمولاً از صفت مطلق به کمک پسوند -dær ساخته می‌شود. sawdær=saw «سیاه‌تر»، syrxdær=syrx «سرخ‌تر». صفت برتر بعضی از صفات مطلق به گونه خاصی ساخته می‌شود. xorz «خوب» xuyzdær «بهتر».

دو واژه xistær «بزرگ‌تر، مهتر» و kæstær «کوچک‌تر، کهتر» خود صفت برتر هستند و صفت مطلق ندارند.

صفت برترین به چند روش ساخته می‌شود:

الف) با تکرار نشانه صفت برتر (-dær)؛ مانند: sawdærdær «سیاه‌ترین».

ب) آوردن ضمیر æppæt «همه» در حالت اضافی، قید tækkæ و نیز iwyl و غیره به همراه صفت مطلق.

tækkæ bærzondær «بلندترین، برترین»، iwyl ævzar «بدترین»، æppæty fæstag «عقب‌مانده‌ترین» و غیره.

ج) افزودن پایانه‌های حالت‌های دستوری به صفت مطلق یا صفت برتر (به‌خصوص حالت اضافی) و آوردن آن به همراه صفت برتر در حالت فاعلی. tyxžynæj tyxžyndær «قوی‌تر قوی، قوی‌ترین».

شدت و تأکید: با افزودن قیده‌های tyng «خیلی»، fyr «بیش‌ازاندازه»، xærz «کاملاً تماماً» و به ندرت قید satæg «کاملاً، تماماً» به صفت ساخته می‌شود. tyng xorz «خیلی خوب»، fyr stavd «بیش‌ازاندازه چاق»، xærz rasyg «کاملاً مست» و غیره.

افزون بر قیده‌های یادشده از تکرار ستاک صفت کیفی و افزودن پسوند -id نیز ساخته می‌شود. syrxdær «سرخ‌سرخ»، urs-ursid «سفید سفید».

عدد

به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شود: ۱- اعداد اصلی، ۲- اعداد ترتیبی، ۳- اعداد توزیعی، ۴- اعداد کسری.

۱- اعداد اصلی: iw «یک»، dywwæ «دو»، ærtæ «سه»، cyppar «چهار»، fon3 «پنج»، æxsæz «شش»، avd «هفت»، ast «هشت»، farast «نه»، dæ3 «ده». اعداد ۱۱ تا ۱۹ از ترکیب اعداد ۱ تا ۹ با dæ3 ساخته می‌شود.

iwændæ3 «یازده»، dywwadæ3 «دوازده»، ærtyndæ3 «سیزده»، cyppærdæ3 «چهارده»، fynddæ3 «پانزده»، æxsærdæ3 «شانزده»، ævddæ3 «هفده»، æstæ3 «هجده»، nudæ3 «نوزده»، ssæ3 «بیست»، dæ3 æmæ ssæ3 «سی»، dyuwissæ3y «چهل»، dæ3 æmæ ærtissæ3y «پنجاه»، æmæ dyuwissæ3y «هشتاد»، cypparyssæ3y «هشتاد»، dæ3 æmæ cypparyssæ3y «صد».

اعداد از دویست تا یک‌هزار با افزودن اعداد ۱ تا ۹ به عدد صد ساخته می‌شوند. dæ3 fon3y:ssæ3y «هزار»، min miny «میلیون»، miljon «میلیون». در گویش ایزونی زمانی که اعداد اصلی نقش اسم دارند، صرف می‌شوند. صرف عدد «یک»:

iw	مفعول درونی	Iw	حالت فاعلی
Iwyl	مفعول بیرونی	Iwy	حالت اضافی
iwaw	هم‌کنش	Iwæn	حالت برایی
iwimæ	چونی	Iwmæ	حالت بایی-ازی
		Iwæj	حالت بهایی (مفعول‌الیه)

۲- اعداد ترتیبی: اعداد ترتیبی در ایزونی از اعداد اصلی به کمک پسوند -æm ساخته می‌شود (به‌استثنای سه عدد اول که به کمک پسوند -ag ساخته می‌شوند). ایزونی fyccag «اول، اولین»، dykkag «دومین»، ærtykkag «سوم، سومین» fæn3æm - æm+ fon3 «پنجم»، (avd-am) ævdæm «هفتم» و غیره.

۳- اعداد توزیعی: از اعداد اصلی به کمک پسوند -gæj ساخته می‌شود. iwga:j «یکی‌یکی»، dyga:j «دودو» و غیره.

۴- اعداد کسری: از اعداد ترتیبی و واژه xaj «قسمت، تقسیم» ساخته می‌شود. dæ3æj:rag xaj «یک‌دهم».

زمانی که اعداد همراه اسم می‌آیند در این صورت تنها اسم در ۹ حالت دستوری صرف می‌شود و عدد تغییری نمی‌کند. dæ3 bonæj, dæ3 bonmæ, dæ3 bonæn و غیره.

ضمیر

ضمایر ایرونی چند گونه‌اند: فاعلی (شخصی)، انعکاسی، ملکی، اشاره، موصولی پرسشی، مبهم، متممی، نفی، جفتی.

ضمایر فاعلی خود سه نوع هستند: کوتاه، کامل، فاعلی مشخص یا انعکاسی شخصی. ضمایر فاعلی و صرف آنها در حالت‌های دستوری مختلف در جدول زیر آمده است.

مفرد						
سوم شخص		دوم شخص		اول شخص		حالت دستوری
کوتاه	کامل	کوتاه	کامل	کوتاه	کامل	
-	Wyj	-	dy	-	æZ	فاعلی
Jæ	Wyj	dæ	dæw	Mæ	mæən	اضافی
jyn	Wymæn	dyn	dæwæn	Myn	mæNæn	برایی
jæm	Wymæ	dæm	dæwmæ	Mæm	mæNmæ	بایی‌ازی
zy	Wymæj	dæ	dæwæj	Mæ	mæNæj	به ایی
zy	Womi	dæ	-	Mæ	-	مفعول درونی
jyl	Wuyl	dyl	dæwyl	myl	mænyl	مفعول بیرونی
-	Wyjaw	-	dæwaw	-	mæNaw	هم کنش
jemæ	Wyimæ	demæ	dæwimæ	Memæ	mæNimæ	چونی

جمع						
سوم شخص		دوم شخص		اول شخص		حالت دستوری
کوتاه	کامل	کوتاه	کامل	کوتاه	کامل	
-	wydon	-	symax	-	max	فاعلی
sæ	wydon	wæ	symax	næ	max	اضافی
syn	wydonæn	wyn	symaxæn	nyn	Maxæn	برایی
sæm	wydonmæ	wæm	symaxmæ	næm	Maxmæ	بایی‌ازی
sæ/zi	wydonæj	wæ	symaxæj	næ	Maxæj	به ایی
sæ/zi	wonæmi	wæ	-	næ	-	مفعول درونی

syl	wydonyl	wyl	symaxyl	nyl	maxyl	مفعول بیرونی
-	wydonaw	-	symaxaw	-	Maxaw	هم کنش
semæ	wydonimæ	wemæ	symaximæ	nemæ	Maximæ	چونی

ضمایر فاعلی مشخص یا انعکاسی شخصی از پیوستن ضمیر انعکاسی *xædæg* «خود» در حالت فاعلی و *xi* در حالت‌های دیگر به ضمیر فاعلی کوتاه در حالت اضافی ساخته می‌شود. صرف ضمیر اول شخص مفرد *mæxædæg* «من خودم» به ترتیب زیر است:

<i>mæxemi</i>	مفعول درونی	<i>mæxædæg</i>	حالت فاعلی
<i>mæxiwyl</i>	مفعول بیرونی	<i>mæxi</i>	حالت اضافی
<i>mæxijaw</i>	هم‌کنش	<i>mæxicæm</i>	حالت برایی
<i>mæxiimæ</i>	چونی	<i>mæximæ</i>	حالت بایی-ازی
		<i>Mæxicæj</i>	حالت به‌ای (مفعول‌ایه)

ضمایر فاعلی مشخص زمانی که عملی بدون دخالت شخص ثالثی صورت گیرد، می‌تواند همراه اسم، ضمیر یا به تنهایی بیاید.

sabi jæxædæg cœwyn bajdydta «کودک (خود) شروع به راه رفتن نمود».

در شمار جمع این ضمایر، پسوند *-æg* می‌افتد. *wæxuydtæ* «شما خودتان».

ضمایر انعکاسی خود بر دو نوعند: ضمایر انعکاسی شخصی، ضمایر انعکاسی دوجانبه.

ضمایر انعکاسی شخصی از شکل کوتاه ضمایر فاعلی به کمک *-xi* ساخته شده و با شکل اضافی ضمایر فاعلی مشخص یکسان است.

جمع		مفرد	
<i>Næxi</i>	اول شخص	<i>mæxi</i>	اول شخص
<i>wæxi</i>	دوم شخص	<i>dæxi</i>	دوم شخص
<i>sæxi</i>	سوم شخص	<i>jæxi</i>	سوم شخص

از ضمایر انعکاسی دوجانبه *kærcæzi* «یکدیگر» شکل‌های غیرعادی شمار جمع نیز ساخته می‌شود. مانند: *kærcæziimæty* «با یکدیگر». صرف این ضمیر در حالت‌های مختلف به شکل زیر است:

Kærcæzijy	مفعول درونی	kærcæzi	حالت فاعلی
kærcæziwyl	مفعول بیرونی	kærcæzijy	حالت اضافی
Kærcæzijaw	هم‌کنش	kærcæzijæn	حالت برایی
kærcæzijmœ	چونی	kærcæzimœ	حالت بایی-ازی
		kærcæzijæj	حالت بهای

ضمایر ملکی پنج نوع هستند: کامل، کوتاه، انعکاسی، اسمی کامل و اسمی انعکاسی-ضمایر ملکی کامل با ضمایر فاعلی کامل در حالت اضافی یکسان است.

max «مال ما»	اول شخص جمع	mœn «مال من»	اول شخص مفرد
symax «مال شما»	دوم شخص جمع	dœw «مال تو»	دوم شخص مفرد
wydon «مال آنها»	سوم شخص جمع	wyz «مال او»	سوم شخص مفرد

باید یادآوری کرد که شکل dœw, mœn تنها در نقش اسنادی آمده است و در نقش وصفی از شکل کوتاه آنها استفاده می‌شود. برای مثال به جای mœn činyg «کتاب من» از mœ činyg استفاده می‌شود.

- ضمایر ملکی کوتاه: با شکل ضمایر فاعلی کوتاه در حالت اضافی یکسان است.

nœ «مال ما»	mœ «مال من»
wœ «مال شما»	dœ «مال تو»
sœ «مال آنها»	jœ «مال او»

این ضمایر بر خلاف ضمایر متصل مستقیماً قبل از واژه مربوطه می‌آیند و در واقع پیش‌چسب هستند.

mœ bolat kœrdœn «قیچی فولادین من».

- ضمایر ملکی انعکاسی: با شکل ضمایر فاعلی مشخص در حالت اضافی یکسان است.

mœxi «آن شخصی من»	nœxi «آن شخصی ما»
dœxi «آن شخصی تو»	wœxi «آن شخصی شما»
jœxi «آن شخصی او»	sœxi «آن شخصی آنها»

- ضمایر اسمی کامل: از افزودن پسوند -on به ضمیر ملکی کامل به دست می‌آید.

maxon «مال ما»	mænon «مال من»
symaxon «مال شما»	dæwwon «مال تو»
wydonon «مال آنها»	wyjon «مال او»

- ضمایر ملکی انعکاسی اسمی: از افزودن پسوند -on به ضمیر ملکی انعکاسی به دست می‌آید.

næxion «مال شخصی ما»	mæxion «مال شخصی من»
wæxion «مال شخصی شما»	dæxion «مال شخصی تو»
sæxion «مال شخصی آنها»	jæxion «مال شخصی او»

ضمایر ملکی اسمی و انعکاسی اسمی در نقش اسم به کار می‌روند و همانند اسم در حالت‌های دستوری صرف می‌شوند.

ضمایر اشاره: ضمایر اشاره a,aj, «این»، wyj, «آن»، adon, «اینها» و wydon «آنها» نیز در حالت‌های دستوری صرف می‌شوند. صرف ضمیر a, aj در حالت‌های دستوری به گونه‌ی زیر است:

جمع	مفرد		جمع	مفرد	
adony	am	مفعول درونی	adon	a,aj	حالت فاعلی
adonyl	awyl	مفعول بیرونی	adony	aj	حالت اضافی
adonaw	ajaw	هم‌کنش	adonænon	amænon	حالت برایی
adonimæ	aimæ	چونی	adonmæ	amæ	حالت بایی-ازی
			Adonæj	Amæj	حالت به‌ای

هرگاه ضمایر اشاره در نقش صفت اشاره بیابند در این صورت با ادات cy تقویت می‌شوند. مانند: acy «این»، wycy «آن».

ضمایر موصولی پرسشی: دو ضمیر ċi «چه کسی» و cy «چه چیزی» مربوط به این گروه از ضمایر می‌باشند. علاوه بر این دو، می‌توان به kæcy «کدام» نیز اشاره کرد. این ضمیر اگر همراه موصوف نیاید، همانند اسم مختوم به مصوت در حالت‌های دستوری صرف می‌شود. از ستاک -kæc و پسوند -on ضمیر kæcon? «از کجا؟، اهل کجا؟» ساخته می‌شود. از cy نیز

ضمیرهای مختلفی از جمله «چند»، cal «چند»، cywawæer «کدام»، cas «چه اندازه»، cyxuyzon «چه رنگی، چه وضعیتی» ساخته می‌شود.

ضمایر مبهم: از ضمایر موصولی پرسشی ċi «چه کسی»، cy «چه چیزی»، kacy «کدام» و افزودن is به اول ضمایر فوق و یا افزودن -dæer به آخر آنها ساخته می‌شوند. isċi «کسی»، isty «چیزی»، iskæcy «یک کدام»، ċidæer «کسی»، cydæer «چیزی»، kæcydæer «یک کدام».

ضمایر cydæer, ċidæer هنگام صرف در شمار مفرد و جمع افزونه -dæer می‌گیرند و البته در شمار مفرد در آخر می‌آید و در شمار جمع بین افزونه -tæ, -ty که نشانه جمع است، می‌آید. ċidæer (مفرد), ċidæertæ (جمع).

ضمیر kæcydæer همانند یک اسم معمولی صرف می‌شود. افزودن پسوند -iddæer به ضمیر مبهم معانی «هر چیزی که» و «هر کسی که» به ضمیر می‌دهد: cidæeriddæer «هر کسی که»، cydæeriddæer «هر چیزی که»، kæcydæeriddæer «هر کدام که»، caldæeriddæer «هر چند که» و غیره. تمام ضمایر یادشده همانند اسم صرف می‌شوند. **ضمایر متممی** بر دو نوع هستند: الف) ضمایر اسمی، ب) ضمایر صفتی.

الف) ضمایر اسمی: alċi «هر» (راجع به انسان)، alcy «هر» (راجع به اشیاء)، alkæcy «هر» (به‌عنوان صفت هم می‌تواند به کار رود).

ب) ضمایر صفتی: aly «هر» ægas «تمام، همه، هر»، æppæet «همه، هر» (این ضمیر متممی می‌تواند هم اسمی و هم صفتی باشد. در صورتی که اسمی باشد، صرف می‌شود و اگر صفتی باشد، صرف نخواهد شد). ضمایر ægas و æppæet به همراه ضمایر فاعلی کوتاه به صورت زیر می‌آیند:

ne'gas «ما همه»، we'gas «شما همه»، se'gas «آنها همه»، ne'ppæet «ما همه»، we'ppæet «شما همه»، se'ppæet «آنها همه». این ضمایر همانند اسم معمولی صرف می‌شوند.

ضمایر نفی: با افزودن ادات ni و ma به آغاز ضمایر موصولی پرسشی ساخته می‌شود.

maċi, niċi «هیچ کس»، macy, nicy «هیچ چیز»، makæcy, nikæcy «هیچ کدام».

ضمایری که با پیشوند -ma آمده‌اند تنها در افعال امری و التزامی دیده می‌شوند.

ضمایر جفتی: به‌عنوان کلمات ربط به صورت جفتی (زوجی) استفاده می‌شوند.

cal-wal «هر قدر- همان قدر»، calgaj-walgaj «مادامی که - بنابراین»، calcæm-walcæm «کدام-این چنین»، cas-was «چه، کدام (اندازه)» و غیره. این ضمائر هنگامی که مستقل (بدون اسم) به کار می‌روند همانند اسامی معمولی صرف می‌شوند.

قید

در گویش ایرونی بسیاری از صفات می‌توانند نقش قید داشته باشند. xorz «خوب» (صفت، قید)، bærczond «بلند» (صفت، قید)، darg «دراز، طویل» (صفت، قید) (حسین مصطفوی گرو، ۱۳۷۴: ۲۰۹) و غیره.

اسامی زیر در بعضی از حالات دستوری می‌تواند نقش قید داشته باشد (بیشتر از همه در حالت بایی-ازی، به‌ای، مفعول درونی و بیرونی).

- حالت بایی-ازی scærmæ «روی، به بالا، بالای»، bynmæ «به پایین، پایین» farsmæ «به سمت»، fæstæmæ «عقب»، ræstægmæ «موقتاً» و غیره.
- حالت به‌ای: æmbyrdæz «مشترکاً»، byncæz «از پایین، در پایین»، æxsævcæz «در شب»، izercæz «در عصر»، bonæz «در روز».
- حالت مفعول درونی: rajsomy «در صبح»، alyfærsty «از همه طرف»، axsævi «امشب» و غیره.
- حالت هم‌کنش: lægaw «مردانه»، fataw «چون تیر»، wadaw «سریع»، ragonaw «کما فی السابق» و غیره.
- حالت مفعولی بیرونی: afojnadyl «به‌موقع»، rcæstyl «برای حقیقت» و غیره.

انواع قید

- ۱- قید مکان: kæm «کجا؟»، am «اینجا»، wym «آنجا» و غیره.
- ۲- قید زمان: kæd «کی؟ چه وقت؟»، makæd (با وجه امری فعل) nikwy, nikæd «هیچ‌وقت»، kædcæz «از چه زمانی»، kwyd «چطور، چگونه»، kædmæ «تا چه زمانی» و غیره.
- ۳- قید کیفیت: aftæ: aftæmæz «بدین ترتیب، این‌گونه»، cma, cyma «گویا»، ærmæst «تنها، فقط» و غیره.
- ۴- قید کمیت: ittæg «خیلی»، ægcær «بیش‌ازاندازه»، c'ūs «کم»، æggæcd «کافی»، æppyndær æppyn «اصلاً» و غیره.

۵- قید علت و سبب: cœmœn «چرا، به چه دلیل»، wymœm «بنابراین، بدین منظور»، fydœncœn «عمداً، از روی قصد» و غیره.
 در ابرونی معمولاً از قید شمار جمع نیز می‌سازند. kuyd-kuydtœ «چطور»: kuyddœ
 cœrutœ «حالتان چطور است؟»، aftœ-aftœtœ «آن گونه»، aftœtœ syn bakodta «آن گونه
 که او با آنها رفتار کرد» و غیره.

فعل

افعال در این گویش سه زمان حال، گذشته و آینده دارند.
 ستاک‌های فعل در زمان حال: ۱- ستاک‌هایی که مصوت کوتاه (ضعیف) دارند.
 الف) آنهایی که در ریشه، مصوت ضعیف œ دارند. kœrdyn «بریدن»، cœryn «زندگی
 کردن» و غیره.
 ب) آنهایی که در ریشه، مصوت i دارند. c'yryn «مکیدن»، mysyn «به‌خاطر آوردن، به
 یاد آوردن» و غیره.
 ۲- ستاک‌هایی که مصوت بلند (قوی) دارند.
 الف) ستاک‌هایی که مصوت بلند تاریخی خود را حفظ کرده‌اند. a-razyn «تجهیز کردن،
 آماده کردن» و غیره.
 ب) شکل سببی فعل با مصوت a که از افعال با مصوت œ ساخته شده است.
 tazyn «چکیدن، چکاندن» از tœzyn، sazyn «خلاندن، فرو کردن» از scœzyn .
 ج) ستاک‌هایی که مصوت i دارند. wizyn «جمع کردن، گردآوردن»، rizyn «لرزیدن» و
 غیره.
 د) ستاک‌هایی که مصوت u آنها بعد از حلقوی‌ها و لبی‌ها آمده است. quyzyn «پاورچین
 پاورچین نزدیک شدن» i-guryn «به دنیا آمدن، روییدن» و غیره.
 ۳- ستاک‌های مضاعف در زمان حال؛ این ستاک‌ها فقط در دو فعل دیده می‌شود:
 dœdœtyn, dœttœn «دادن» و st-yn «ایستادن».
 ۴- ستاک‌هایی که صامت‌های خیشومی دارند.
 الف) صامت‌های -n, -n̥, n̥ . wynyn «دیدن»، œlxœnyn «خریدن»، kœnyn «انجام دادن،
 کردن».
 ب) با n میانوند. tynzyn «کشیدن، کش دادن» و غیره.

در افعال زیر n افتاده است. bazzyn «به درد خوردن»، sættyn «شکستن»، bættyn «بستن».

۵- ستاک‌های آغازی: xwyssyn «خوابیدن»، tæfsyn «احساس گرمای زیاد کردن»، dymsyn «متورّم شدن، باد شدن».

۶- ستاک‌هایی که z دارند. a-majyn «ساختن، تراش دادن»، zajyn «به‌دنیا آوردن، به‌دنیا آمدن» و غیره.

افعال بی‌قاعده

افعال بی‌قاعده در ایرونی عبارتند از: st-yn «ایستادن»، صفت مفعولی stad, ss-yn «تراشیدن، تیز کردن»، صفت مفعولی ssad, dættyn «دادن»، صفت مفعولی lævcærd.

پیشوندهای فعلی

به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- پیشوندهای فعلی زایا، ۲- پیشوندهای فعلی نازایا
پیشوندهای فعلی زایا همان پیشوندهای اصلی و پویا هستند و پیشوندهای نازایا همان
پیشوندهای تاریخی هستند که در اصطلاحات دیده شده‌اند و امروزه پویا نیستند.

۱- پیشوندهای فعلی زایا: a-, ba-, ær-, ærba-, cæ-, -fæ-, -ny, s(y) جزو پیشوندهای زایا هستند. این پیشوندها مشخص‌کننده نمود فعل و نشان دهنده جهت حرکت در حالت به‌ای (مفعول‌الیه) است.

ناظر در داخل قرار داد	} داخل شد	$\left\{ \begin{array}{l} a-cyd \\ ra-cyd \end{array} \right.$
ناظر در خارج قرار داد		
ناظر در داخل قرار داد	} داخل شد	$\left\{ \begin{array}{l} ba-cyd \\ ærba-cyd \end{array} \right.$
ناظر در خارج قرار داد		
ناظر در داخل قرار داد	} فرود آمد	$\left\{ \begin{array}{l} ær-cyd \\ ny-ccyd \end{array} \right.$
ناظر در خارج قرار داد		

پیشوندهای -cæ و -fæ در حالت بهای (مفعول‌الیه) کاربرد ندارند.

۲- **پیشوندهای نازایا:** الف) پیشوند -æm: این پیشوند در ابتدا معنی «هم» داشته است ولی امروزه گسترش معنایی یافته است. æm-bœlyn «همدیگر را دیدن» و غیره. ب) پیشوند -œv (-œf) قبل از صامتهای بی‌واک: æv-disyn «نشان دادن»، œv-gœrdyn «بریدن»، و غیره.

ج) پیشوندهای -fœl (-fœl) fœlœsyn: «نگاه کردن، نگرستن» و غیره.

د) پیشوند (if-) -iv: فقط در iv-gŵyjyn «عبور کردن»، دیده می‌شود.

و) پیشوند (lœ-) -rœ: rœ-tiġyn «هل دادن، تکان دادن»، rœ-dijyn «اشتباه کردن» و غیره.

ز) پیشوند -ū: ū-romyn «آرام کردن»، ū-lœfyn «نفس کشیدن» و غیره.

پایانه‌های شخصی افعال

پایانه فعل در دو شمار، سه شخص، سه زمان و چهار وجه تغییر می‌یابد.

۱- زمان حال:

الف) وجه اخباری

اول شخص مفرد -y-n	اول شخص جمع -æ-m
دوم شخص مفرد -y-s	دوم شخص جمع -u-t
سوم شخص مفرد -y	سوم شخص جمع -y-nc

ب) وجه امری

دوم شخص مفرد -	دوم شخص جمع -ut
سوم شخص مفرد -œd	سوم شخص جمع -œnt

ج) وجه التزامی

اول شخص مفرد -on	اول شخص جمع -œm
دوم شخص مفرد -aj	دوم شخص جمع -at
سوم شخص مفرد -a	سوم شخص جمع -oj

د) وجه تمنایی

اول شخص مفرد -in	اول شخص جمع -ikkam
دوم شخص مفرد -is	دوم شخص جمع -ikkat
سوم شخص مفرد -id	سوم شخص جمع -ikkaj

۲- زمان گذشته:

در ایرونی بر خلاف دیگر زبان‌های زنده ایرانی، صرف افعال لازم و متعدی در زمان گذشته با هم تفاوت دارد. صرف افعال «یخ زدن» *sælyn* و «خوردن» *xæryn* در زمان گذشته به شکل زیر است:

اول شخص جمع <i>sald-ystæm</i>	اول شخص مفرد <i>sald-dæm</i>
دوم شخص جمع <i>sald-ystut</i>	دوم شخص مفرد <i>sald-dæ</i>
سوم شخص جمع <i>sald-ysty</i>	سوم شخص مفرد <i>sald-is</i>

فعل *xæryn*

اول شخص جمع <i>xord-d-am</i>	اول شخص مفرد <i>xord-d-on</i>
دوم شخص جمع <i>xord-d-at</i>	دوم شخص مفرد <i>xrd-d-aj</i>
سوم شخص جمع <i>xord-d-oj</i>	سوم شخص مفرد <i>xord-d-a</i>

مضاعف شدن (تکرار) *d* بعد از واکه‌گونه‌های *r,l,m,n,j,w* صورت می‌گیرد و هر گاه *d* بعد از *v,g,z,f,x,s* قرار گیرد، این اتفاق نمی‌افتد.

۳- زمان آینده:

از ستاک فعل در زمان حال و پیوستن *3æn, 3yn* و نیز پایانه افعال کمکی در زمان حال به‌دست می‌آید.

صرف فعل *færsyn* «پرسیدن»

اول شخص جمع <i>færs-3y-stæm</i>	اول شخص مفرد <i>færs-3yn-æn</i>
دوم شخص جمع <i>færs-3y-stut</i>	دوم شخص مفرد <i>færs-3yn-æ</i>
سوم شخص جمع <i>færs-3y-sty</i>	سوم شخص مفرد <i>færs-3æn-ī(-is)</i>

صرف فعل کمکی *wyn* «بودن»:

زمان حال

وجه امری	وجه اخباری
دوم شخص: مفرد <i>u</i> ؛ جمع <i>ut</i>	اول شخص: مفرد <i>dæm</i> ؛ جمع <i>stæm</i>
سوم شخص: مفرد <i>wæd</i> ؛ جمع <i>wænt</i>	دوم شخص: مفرد <i>dæ</i> ؛ جمع <i>stut</i>
	سوم شخص: مفرد <i>u, is, ī</i> ؛ جمع <i>sty</i>

وجه التزامی	وجه تمنايي
اول شخص: مفرد wɔn؛ جمع wɔem	اول شخص: مفرد wain؛ جمع waikkam
دوم شخص: مفرد wɔj؛ جمع wat	دوم شخص: مفرد wais؛ جمع waikkat
سوم شخص: مفرد wɔa؛ جمع wɔj	سوم شخص: مفرد waid؛ جمع waikkoj

زمان گذشته

وجه اخباری	وجه التزامی و تمنايي (صرف هر دو یکسان است)
اول شخص: مفرد wyd-dæn؛ جمع wyd-y-stæm	اول شخص: مفرد wyd-ain؛ جمع wyd-aikkam
دوم شخص: مفرد wyd-dæ؛ جمع wyd-y-stut	دوم شخص: مفرد wyd-ais؛ جمع wyd-aikkat
سوم شخص: مفرد wyd-is؛ جمع wyd-y-sty	سوم شخص: مفرد wyd-aid؛ جمع wyd-aikkoj

فعل مرکب

در ابرونی فعل مرکب از ترکیب یک اسم یا یک صفت با افعال کمکی kœnyn «کردن، انجام دادن»، wyn «بودن» و گاهی نیز lasyn «جلب کردن، به شوق آوردن» ساخته می‌شود. xid kœnyn «عرق کردن»، zag kœnyn «پر کردن» و غیره. افعال مرکبی که پیشوند ندارند، می‌توانند هم معنی لازم و هم معنی متعدی داشته باشند. mœsty kœnyn «عصبانی کردن، عصبانی شدن» و غیره. اما افعال پیشوندی یا لازم هستند یا متعدی؛ در اینگونه افعال اگر از فعل کمکی kœnyn «کردن، انجام دادن» استفاده شده باشد، فعل متعدی است و اگر از فعل کمکی wyn «بودن» استفاده شده باشد، فعل لازم است. برای مثال: œrbamœsty kœnyn «عصبانی کردن، خشمگین کردن» و œrbamœsty wyn «عصبانی شدن، خشمگین شدن». پیشوند معمولاً قبل از اسم می‌آید ولی قبل از فعل نیز در مواردی که تکیه (ضربه) منطقی روی اسم باشد، می‌تواند بیاید. برای مثال به جای nœ dæ ferox kodton «من ترا فراموش نکردم» می‌توان گفت: rox dæ nœ fœkodont «من فراموش نکردم تو را». در افعال مرکب حروف نفی و نهی (nœ, mœ) می‌تواند قبل از اسم نیز بیاید. acy nymœc nœ dix kœny «این عدد تقسیم نمی‌شود». افعال مرکب پیشوندی که از زمان حال فعل کمکی wyn «بودن» ساخته شده‌اند، زمان گذشته را می‌رسانند. fœrynçyn dæn «مریض شدم».

جزء اسمی افعال مرکب می‌تواند صفت فاعلی یا مفعولی نیز باشد fœ-mardkœnyn «کشتن»، fœ- mard wyn «کشته شدن».

مصدر (شکل غیر قابل صرف فعل)

از ستاک زمان حال و پسوند -yn ساخته می‌شود و با اول شخص مفرد زمان حال فعل، مطابقت دارد. kusyn «کار کردن، کار می‌کنم»، cœwyn «رفتن، می‌روم» و غیره. صرف مصدر در حالت‌های دستوری مختلف: kusyn «کار کردن»:

kusyny	مفعول درونی	kusyn	حالت فاعلی
kusynyl	مفعول بیرونی	Kusyny	حالت اضافی
kusynaw	هم‌کنش	kusynœn	حالت برایی
kusynimœ	چونی	kusynmœ	حالت بایی-ازی
		kusynœj	حالت به‌ای

ادات نفی

ادات نفی nœ، mœ همراه فعل می‌آید. در وجه اخباری تنها از nœ و مشتقات آن، در وجه امری از ma و مشتقات آن، در التزامی بیشتر از ma و کمتر از nœ و در تمنّایی بیش‌تر از nœ و کم‌تر از ma استفاده می‌شود.

dœ nyxas mœ zœrdœmœ nœ cœwy «از صحبت تو خوشم نمی‌آید».

ma tœrs læppu! «نترس جوان».

cœmœj ma kœwa syvœllon , wymœn yn mad jœ zarœg kodta «برای اینکه بچه

گریه نکنند، مادر آواز خود را (لالایی) خواند».

حروف اضافه پیشایند و پسایند

تعداد حروف اضافه پیشایند و پسایند کم است: cur «نزدیک، کنار»، fœrcy «در نتیجه»

wong «تا»، xœccœ «با هم».

اما تعداد حروف اضافه اسم‌گونه زیاد است: scœr «سر» در معنی «روی» byn «کف، عمق،

بن» در معنی «زیر» astœw «میان، کمر» در معنی «بین»، fars «پهلوی» در معنی «نزدیک،

کنار، پهلوی» و غیره.

اغلب حروف اضافه اسم‌گونه در حالت‌های دستوری مختلف صرف می‌شوند. برای مثال: xuylyf «در داخل، در توی» که مفعول درونی از xuylyf «داخل» است. بعضی از قیود نیز به‌عنوان حرف اضافه پسایند استفاده می‌شوند: midæg «در داخل»، komkommæ «در مقابل، روبه‌روی» و غیره. بر خلاف حروف اضافه پسایند، حروف اضافه پیشایند اهمیت خود را از دست داده‌اند. در زیر به تعدادی از حروف اضافه پیشایند اشاره می‌شود. æd «با، همراه با»، ænæ «بدون»، wæl «روی»، dæl «زیر»، mid «در، در داخل»، ædtæ «خارج، در خارج»، fæs «بعد از، پیش از، در پس» و غیره.

حروف ربط

به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- حروف ربط همپایه، ۲- حروف ربط وابسته.

۱- حروف ربط همپایه خود چند قسم دارد:

الف) پیوندی (ربطی) æmæ «و»، dær «نیز، هم‌چنین». حرف ربط æmæ قبل از اسم مربوطه و dær بعد از اسم مربوطه می‌آید.

ب) تفکیکی: kænæ «یا»، ævi «یا»، fœndy «یا».

ج) معکوس: fælæ «اما».

د) حروف دیگر: wæddæ «این‌چنین، دراین‌صورت» cymæ «حرفی که جملات پرسشی با آن شروع می‌شوند، چرا؟» و غیره.

۲- حروف ربط وابسته:

الف) مکمل و متمم kæj...wycy «هر...پس»، kæcy...wycy «هرکدام...پس» و غیره.

ب) شرطی: kæd...wæd «اگر...پس»، kuy...wæd «زمانی که...پس» و غیره.

ج) استدراکی: kæd...wæddær «اگرچه...اما»، kuy...wæddær «حتی اگر...اما» و غیره.

د) سببی: wymæn...æmæ «برای آن...که، به این دلیل...که»، wyj tyxxæj...æmæ «به این

دلیل ... که، بدین سبب ... که» و غیره.

ه) هدف: cæmæj «برای اینکه»، kuyd «برای اینکه»، æmæ «برای اینکه» و غیره.

نتیجه

- مهمترین ویژگی دستوری گویش ابرونی، صرف اسم، ضمیر، قید و عدد در حالت‌های دستوری مختلف است.

- اسم در گویش ایرونی دو شمار مفرد و جمع دارد و در نه حالت دستوری صرف می‌شود درحالی‌که صرف اسم به این صورت در دیگر زبان‌های ایرانی شرقی دیده نمی‌شود.
- نظام فعلی در گویش ایرونی بر پایه دو ماده مضارع و ماضی استوار است. درحالی‌که در سایر زبان‌های ایرانی شرقی ماده ماضی نقلی نیز دیده می‌شود. پیشوندهای فعلی در این گویش نقش مهمی در تعیین نمود فعل دارد.
- صفت در گویش ایرونی قبل از اسم می‌آید و در حالت‌های مختلف دستوری صرف نمی‌شود. صفت برتر همانند اکثر زبان‌های ایرانی شرقی معمولاً از صفت مطلق به کمک پسوند -dæŋ ساخته می‌شود. صفت برترین با تکرار نشانه صفت برتر (-dæŋ) و آوردن ضمیر æppæŋ «همه» در حالت اضافی، قید tækkæ و نیز iwyl و غیره به همراه صفت مطلق و نیز افزودن پایانه‌های حالت‌های دستوری به صفت مطلق یا صفت برتر (به‌خصوص حالت اضافی) و آوردن آن به همراه صفت برتر در حالت فاعلی ساخته می‌شود.
- ضمائر در گویش ایرونی بر خلاف سایر زبان‌های ایرانی شرقی در نه حالت دستوری صرف می‌شود.

کتاب‌نامه

ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۴۸). *درباره زبان آسی*. تهران: چاپخانه علمی.
مصطفوی گرو، حسین. (۱۳۷۴). *واژه‌نامه زبان استی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

- Абаев В. И., Осетинский язык и фольклор, т.1, М.-Л., 1949
Абаев В.И., Историко-этимологический словарь осетинского языка, М.-Л., 1985
Ахманова О.С., Словарь лингвистических терминов, М., 1969 .
Бекоев Д.Г., Иронский диалект осетинского языка, Цхинвали, 1985.
Боголюбов М.Н., Языки народов СССР, И, М., 1966 .
Валаев Т., Антология осетинской поэзии, М., 1960 .
Исаев М.И., Территориально-функциональная характеристика осетинского литературного языка//Известия Юго-Осетинского научно-исследовательского института, вып. XXVI. 1981
Колоев Б.А., Осетины, М., 1967.
Миллер В., Язык осетин, М.-Л., 1962 .
Основы иранского языкознания. Новоиранские языки: восточная группа, III, М., 1997.